

ذره بین

پزشکیان: سخنگوی دوم دولت ویا منتقد دولت؟

صدافتی که به بحران تبدیل شد

مسعود پزشکیان؛ رئیس‌جمهور، سخنگوی دوم دولت یا منتقد دولت؟ این سوالی است که این روزها به‌کرات تکرار می‌شود. خبرآنلاین نوشت: رئیس‌دولت چهاردهم که در یکسال و اندی که از ریاستش بر قوه مجریه می‌گذر، بیش از هر مقام مسئول دیگر سخن گفته و در تیت‌ر رسانه‌ها قرار گرفته است؛ حال این روزها به‌شدت زیرتیتغ انتقادات است. از مصاحبه‌ها با رسانه‌های خارجی تا سخنرانی‌ها در نشست‌های مختلف. موضع‌گیری درباره مسائل اقتصادی، سیاسی واجتماعی از یک سو وسکوت دیگر اعضای کابینه از سمت دیگر، سبب شده تااین روزهابیش از پیش‌زیر ذره‌بین نقد وتحلیل‌های رسانه‌ها باشد. درواقع، اظهارات او درباره تخلیه تهران در صورت عدم بارش باران در پایتخت، باانتقادات تندی همراه شد. دراین میان، عده‌ای آن را نشانه صداقت و شفافیت می‌دانند وگروهی دیگر معتقدند پزشکیان به جای آنکه رئیس دولت باشد، به منتقدان تبدیل شده‌است.

پنهان نکردن

مسعود پزشکیان چه زمانی که به‌عنوان نماینده مردم از حوزه انتخابیه تبریز وارد بهارستان شد، چه آن‌زمانی که واردکودقابت انتخابات ریاست جمهوری شد؛ همواره بر صداقت و روراستی با مردم تأکید داشته‌است. شاید از روی همین صداقتش است که در سخنرانی‌هایش با زبانی صریح از بحران‌ها در کشور روایت می‌کند و برخلاف سنت‌های مرسوم میان رؤسای جمهور سابق، تلاش نمی‌کند تا شرایط کشور را از وی بدغدغه‌نشان دهد. او حتی با برگزیدن گفت‌مان وفاق ملی، از همان روزهای ابتدایی تشکیل دولت به همه تذکر داده بود که نباید مشکلات را به گردن دولت قبلی بیندازد. برای صحت این ادعائیز، کافی است نگاهی به نوع اظهارات گفتاری رؤسای جمهور پیشین کشور انداخت. دولت‌های گذشته، حتی در بحرانی‌ترین شرایط، معمولا تلاش می‌کردند از امید و پیشرفت سخن بگویند اما پزشکیان مسیر متفاوتی را برگزیده و نه‌تنه‌با بر بحران‌های اخیر کشور به‌شدت تأکید دارد که حتی دست‌کمک به‌سوی مخالفتش دراز می‌کند. او اخیرا هم که بحران بی‌آبی ونازاری‌ها در کشور به اوج رسیده‌است، با اشاره به وضعیت نگران‌کننده منابع آبی پایتخت گفت: «اگر تا آذرماه در تهران باران نیارد، ناچار به چیره‌بندی آب‌خواهیم‌شود و در صورت تداوم خشکسالی، حتی ممکن است تهران را تخلیه کنیم.» اما اظهارات بی‌پرده رئیس‌جمهور اگرچه تحسین برانگیز است اما به‌محور انتقاداتی از سوی حامیان و هم‌جناح‌هایش و مخالفان دولت تبدیل شده‌است. اما این درحالی‌است که مخالفان دولت صداقت و اظهارات پزشکیان را به یک‌نوع عوام‌فریبی، به مثابه یک معاون اجرایی بی‌برنامه در کشور سخن می‌گویند نه رئیس‌جمهوری با برنامه.

آسوت دردرس‌رسان!

از سوی دیگر، رئیس‌جمهور تقریبا هر روز در سخنرانی‌های، مختلف حضور دارد، اعضای کابینه‌اش کمتر در معرض افکار عمومی قرار گرفته‌اند. وزرا و معاونان او تا امروز به‌ندرت نشست خبری برگزار کرده یا حتی کمتر مقابل میکروفن رسانه‌ها قرار می‌گیرند تا سخنگوی عملکردشان باشند. این سکوت در حالی است که بسیاری از سخنان پزشکیان، اشاره مستقیم به مشکلات دستگاه‌های اجرایی دارد. به بیان دیگر، اعضای دیگر کابینه چهاردهم، باسکوت و عدم شفاف‌سازی عملکردشان و ارائه راه‌حل در برابر بحران، ثوب عملکردی را به گردن رئیس‌دولت چهاردهم می‌اندازند تا شخص رئیس‌دولت‌بشت هر تریبونی اظهارنظر وموضع‌گیری کند. بارترین نمونه این سکوت در چهره محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، دیده می‌شود که شباهت جدانی به معاون اول‌های دولت‌های گذشته که فعال جلوه می‌کردند، ندارد؛ به‌خصوص با اسحاق جهانگیری، معاون اول دولت روحانی که خودش را در قواره یک رئیس‌جمهور نشان می‌داد. از همین‌روی، در غیاب اعضای مهم کابینه در رسانه‌ها و پاسخ به سوالات افکار عمومی، رئیس‌جمهور گویی به صرفاقت افتاده تا یک‌تنه ضعف رسانه‌ای اعضای دولتش را جبران کرده و به مقام سخنگویی دولت دربیاید. اقدامی که نه‌تنها از چهره پزشکیان یک رئیس‌جمهور با ویژگی سخنرانی‌های زیاد در میان افکار عمومی می‌سازد که حتی به روایت رسانه‌های منتقدش، او با نمایش بحران و مشکلات کشور بدون ارائه راه‌حل، زمینه‌ساز ناامیدی میان مردم را هم منجر می‌شود. انتقادات از پزشکیان هم صرفا از سوی مخالفانش مطرح نشده که اظهارات اخیر او حتی صدای حامیان‌ش را هم درآورده‌است؛ چنانچه عید... رمضان راده، سخنگوی دولت اصلاحات، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «جنب‌آقای رئیس‌جمهور! می‌فرمایید اگر باران نیارد و مصرف آب ۱۰ درصد دیگر کاهش نیابد باید تهران تخلیه‌شود. کارشناسان می‌گویند هدر رفت ناشی از یوسیدگی شبکه توزیع ۱۵ تا ۲۰ درصد است. بودجه نهادهای غیرضروری را قطع کنید و فوراً به اصلاح شبکه بپردازید. سخن از تخلیه تهران شوخی ناچسی است.

صراحت با بحران‌نمایی؟

در سیاست، صداقت می‌تواند هم نقطه قوت باشد و هم پاشنه آشیل. صداقتی که این روزها گویا گریبان رئیس‌دولت چهاردهم را گرفته‌است و به یک نقطه‌ضعف تبدیل شده‌است. خاصه آن‌که در فضای رسانه‌ای کشور، دو رویکرد کاملا متفاوت نسبت به سخنان پزشکیان دیده می‌شود. یک آن‌که برخی‌ها بر این باور هستند که رئیس‌جمهور با صراحت‌گرمانی است. از نگاه این گروه، بیان واقعیت‌ها هرچند تلخ باشد، گامی در جهت بازسازی رابطه فرورخته میان مردم و حاکمیت است و می‌تواند به شکل‌گیری سیاسی جدید منجر شود.

دوشنبه
۰۸ • ۰۹ • ۱۴۰۴
جمادی‌الاول ۱۴۴۷
۱۰ نوامبر ۲۰۲۵

سال هشتم
شماره ۲۲۴۸

«آرمان ملی» تنش در صحن شورای شهر را بررسی می‌کند

پشت پای زاکانی به چمران

◀ مهدی چمران: نتیجه همراهی را هم از شهردار تهران دیدیم



فردی فارغ از جایگاه سازمانی، باید در چارچوبی مشخص مورد ارزیابی و پایش قرار گیرد». اما این پایان ماجرا نبود و در ادامه علیرضا زاکانی شهردار تهران با تأکید بر اینکه شورا نمی‌تواند وارد تدوین چنین ساختاری شود، گفت: «اگر قانون رعایت نشود، بنیان تصمیم‌گیری‌ها سست خواهد شد. این موضوع در بودجه مطرح نشده بود و پس از تصویب متوجه آن شدیم. طرح جامع نیز این نهاد را حذف کرده و رسماً به شهرداری اعلام شده‌است.» وی با انتقاد از عملکرد برخی نهادهای دولتی در موضوع حريم شهر، تصریح کرد: «اقدامات استانداری، معاون وزیر کشور و وزارت راه و حملات قانون است و صیانت از شهر را به خطر می‌اندازد».

وی همچنین تأکید کرد: «نهاد پایش پیش‌تر حذف شده و رئیس سابق سازمان امور استخدامی نیز طی دو نامه آن را غیرقانونی اعلام کرده‌است». این ماجرا در آن جلسه به پایایان نرسید و جلسه بعدی شورا نیز به این موضوع اختصاص پیدا کرد با حواشی بیشتری همراه شد.

جنجال در شورا

جلسه سیصد و شصت و نهم شورای شهر تهران که روز گذشته در صحن شورا برگزار شد به جرات یکی از پرتنش‌ترین جلسات این شورا بوده که با اتفاقات مختلفی همراه بود. اولین جرقه اختلاف را شهردار تهران با عدم حضور در جلسه زد که این مساله با واکنش تند اعضای شورا مواجه شد و آن را نوعی توهین به شورا قلمداد کردند. مهدی اقراریان در این خصوص اظهار کرد: «آقای زاکانی باید می‌آمد و پاسخ‌شورا را در این خصوص می‌شنید. حرف‌های او در جلسه‌گذشته یک واکنش جمعی از سوی اعضا خواهد داشت. او باید از رئیس شورای شهر عذرخواهی کند یا بیاید و پاسخ دهد». مهدی چمران نیز گفت: «حضور آقای زاکانی ضروری نیست اما عدم

«آرمان ملی» آخرین روابط دولت و مجلس را بررسی می‌کند

پزشکیان در جمع منتقدان بهارستانی

دلاری و حقوق مردم ریالی مانده‌است. کارگران، کارمندان، معلمان، اساتید، پرستاران، سربازان، پاسداران، ارتشیان و نیروهای انتظامی همگی حقوقشان به ریال و هزینه‌هایشان به دلار است که این مساله هیچ ارتباطی با تحریم‌های آمریکا ندارد و حل آن نیاز به مذاکره ندارد؛ بلکه این چنین ساختاری ظلم‌آلود و زالوصفت علیه مردم است.

هنوز دلاری نشده‌است. اما از صبح تا شب در رسانه‌ها گفته می‌شود باید قیمت آنها به قیمت جهانی برسد. مدام می‌گویند دلار را گران کنیم، بنزین را گران کنیم و به مردم یارانه بدهیم. اگر همه چیز را دلاری کرده‌اید، حقوق و یارانه مردم را هم دلاری کنید. نمی‌شود هزینه‌ها را دلاری و درآمد و یارانه مردم را ریالی آن هم به اندازه ۱۵ سال قبل نگه داشت». در ادامه باید به انتقاد یکی دیگر از نماینده‌های مجلس اشاره کنیم که به موضوع گرانی‌ها انتقاد داشت. در این مورد رمضانعلی سنگدونی، نماینده مردم گرگان و آق قادر مجلس خطاب به رئیس‌جمهوری گفت: «در حالی‌که هنوز کالا برگ را اجرا نکرده‌اید، در حال گران کردن برق، آب، گاز و بنزین هستید. خواهش می‌کنم اول جامعه را آماده و دهک‌های پایین جامعه را تأمین کنید، بعد به سراغ گران کردن کالاها بروید».

خداحافظی با برخی وزرا؟

حالا باید به تهدیدهای سریالی کابینه به استیضاح و پرسش‌ها کمسیون‌ها باید بگویم که بحث خداحافظی با برخی از چهره‌های کابینه نزدیک است. در این مورد شهبین جهانگیری، نماینده مردم ارومیه بیان داشت: «هر کدام از مسئولان که توان مدیریت قول داده‌ید که حرفتان را عمل مشکلات ندارند مجلس آماده‌است با احترام از آنها خداحافظی کند». نماینده ارومیه همچنین از وزارت نیرو خواست

حضور او پس از دعوت رسمی بی‌احترامی به شورا است». اما در میان تذکرات زاکانی از راه رسید و جان تازه‌ای در جدال دمیده شد. شهردار تهران در دفاع از خود اظهار داشت: «اگر اجازه می‌دادند صحبت کنم، مشخص می‌شد گزارش قرائت شده ناقص و معیوب است. ما بشورا دعوانداریم، هیچ چیز تعامل ما را بر هم نمی‌زند، اما قانون را هم نمی‌شود نادیده گرفت». زاکانی تأکید کرد: «تهران طبق مصوبه چهارم مرداد ۱۴۰۰ از قاعده خاصی برخوردار است و ایجاد سازمان جدیدی با وظیفه مشابه، خلاف قانون محسوب می‌شود. ما شروع به شکایت کرده‌ایم، چون این مساله تعارف ندارد». اما این پایان ماجرا نبود و در ادامه مهدی چمران رئیس شورا که همواره حامی زاکانی بوده در واکنش اظهار کرد: «من که کور نبودم، می‌دیدم. شما خودتان گفتید چنین چیزی در قانون نیست و ما آن را اضافه کردیم. حالا هم می‌گویید آیین‌نامه ناقص است؟ شورا دنبال نهادسازی بی‌هدف نیست. هدف ما شفافیت و نظارت بهتر است، نه تداخل در کار شهرداری».

چمران ادامه داد: «مثل خیلی جاهای دیگر که گذشت کردیم اینجا هم گذشت کردیم ما همیشه از کارهای شهردار دفاع کردیم اما جایی که خلاف باشد نمی‌توانیم. صحبت‌های شهردار تهران توهین بود. اینجا شورا است و قوانین آن فرق دارد شهردار نمی‌تواند برای ما آیین‌نامه تدوین کند. ما چیزی در مصوبه نگذاشته‌ایم. اگر بخوایم فیلم آن را بگذرانیم که آقای آخوندی می‌خوانند و اعضای شورا ای می‌دهند». رئیس شورای شهر تهران تأکید کرد: «نوک تیز حمله به سوی بنده حقیر است، به‌خاطر حمایت‌هایی که از شهردار کردم مزه خوبی به من دادند. نتیجه همراهی هم از شهردار تهران دیدیم». وی تصریح کرد: «گفتند که بنصره در بودجه نبوده و سپس گذاشته‌اند و اگر این درست باشد یعنی رعایت امانت نشده‌است».

پزشکیان در جمع منتقدان بهارستانی

تا مشکل تأمین آب و برق را در دستور کار فوری قرار دهد و مساله بی‌آبی و بی‌برقی را به بحران عدم مدیریت تلفیق نکند و تأکید کرد که یکی از وظایف اصلی این وزارتخانه دوراندیشی و تأمین منابع آبی و برقی حال و آینده است.

چند نرخی شدن بنزین؟

بنزین یکی دیگر از گرگه‌هایی است که بین دولت و مجلس وجود دارد. بهارستان از یک سو معتقد است که بنزین باید پلکانی افزایش داشته باشد ولی در سوی دیگر یکی از چهره‌های تندروی مجلس به تصمیمات هنوز وجود دولتی‌ها در این حوزه اشاره می‌کند. امیرحسین ثابتي، نماینده تهران که او هم در صف اول منتقدان دولتی‌ها ایستاده‌است در تذکر دیگری با بیان اینکه «ما در مجلس با گران‌سازی بنزین مخالفتیم و به چنین چیزی هم رای ندادیم. طبق قانون بودجه امسال هم دولت نباید گران کند»، مدعی شد: «ولی اخیرا در جلسه هیات دولت تصویب کردند بنزین ۳ نرخی شود و نرخ سوم آزاد و چند صد درصد افزایش یابد. آقای شریعتی نماینده تهران نامه‌ای را امروز در سامانه گذاشت و من هم امضا کردم؛ در این نامه آمده بسیاری از راهکارهای غیر قیمتی هنوز وجود دارد که باید آنها را اجرا کنید، اگر می‌خواهید افزایش قیمت هم بدهید باید ۱۰ الی ۱۵ درصد باشد نه اینکه بخواهید چند برابر کنید، نمی‌دانم چرا از گذشته عبرت نمی‌گیرید. رئیس‌جمهور شما در انتخابات قول دادید که بنزین را گران نمی‌کنید پس مثل مرد پای حرفتان بایستید. اگر آن حرف اشتباه بود، بگویید اشتباه کردم و دروغ گفتم و نتوانستم. اگر غیر از این است باید به حرفتان عمل کنید، چرا الان می‌خواهید بنزین را گران کنید در حالی‌که قاچاق سوخت را راها کرده‌ید».

سیاست

گزارش

چهار مانع اصلی مذاکره ایران و آمریکا

چرا وزیر خارجه گفت وگو با واشنگتن را فعلا متنتفی می‌داند؟

سیدعباس عراقچی در آخرین موضع‌گیری خود در زمینه مذاکره با آمریکا گفت: «واقعیت این است که در حال حاضر هیچ امکانی وجود ندارد، زیرا ما هیچ رویکرد مثبت یا سازنده‌ای از طرف آمریکایی نمی‌بینیم». اقتصادآنلاین نوشت: با این حال، مواضع وزیر خارجه و مجید تخت‌روانچی معاون او نشان می‌دهد که حتی اگر پیامی در هفته‌های اخیر بین تهران و واشنگتن رد و بدل شده باشد، ایران آن را مثبت ارزیابی نکرده‌است. البته عراقچی همزمان بر آمادگی ایران برای مذاکره‌ای برابر تأکید کرده‌است، وی اظهارکرده: «هر زمان که آنها برای مذاکره‌ای براساس پایه برابر برای یک توافق سودمند برای هر دو طرف آماده باشند؛ مذاکره می‌تواند ممکن باشد و ایران می‌تواند آن را مورد بررسی قرار دهد». هرچند دیپلماسی در شرایط کنونی در بن بست به نظر می‌رسد، اما تحلیل‌گران می‌گویند هنوز پنجره‌ای کوچک برای برون‌رفت از این وضعیت وجود دارد. به همین دلیل روابط تهران و واشنگتن و آینده آن همچنان در کانون بحث و بررسی و موانع اصلی در مسیر پنج دور مذاکره مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اما این موانع چیست؟

اجبار در برابر تقابل

عامل نخست که «بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی» به آن اشاره می‌کند، چرخه «اجبار آمریکا و تقابل ایران» است. موضوعی که نه‌تنها اعتماد را از بین برد بلکه مسیر هرگونه توافق را بست. در آغاز سال ۲۰۲۵، دونالد ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری خود با بازگرداندن سیاست «فشار حداکثری» و تهدید به اقدام نظامی، فضای مذاکرات را به شدت ملتهب کرد. او حتی در نامه‌ای مستقیم به مقام معظم رهبری مدعی شد که در صورت عدم توافق ظرف ۶۰ روز، حمله نظامی در راه خواهد بود. ایران نیز بار د مذاکره مستقیم و غیرمستقیم خود درباره برنامه هسته‌ای خود شد. با وجود این، همزمان با آغاز مذاکرات، لحن تهدیدآمیز واشنگتن و اقدامات متقابل تهران از جمله اخراج بازرسان و آژانس و تهدید به توسعه برنامه هسته‌ای، به تشدید بحران انجامید. ترامپ در جریان دورهای دوم و سوم مذاکرات در رم و مسقط، با تعیین مهلت‌های کوتاه و اعمال تحریم‌های جدید، بر فشار افزود. در پاسخ، ایران مذاکرات را به تعویق انداخت و فضای ضدآمریکایی در داخل کشور تشدید شد. در نهایت، مجموعه‌ای از این اقدامات به تضعیف شدید اعتماد متقابل انجامید.

شکاف در اهداف مذاکره

دومین عامل شکست مذاکرات، تفاوت بنیادین در شکل و هدف گفت‌وگوها بود. واشنگتن به دنبال مذاکرات مستقیم و جامع با هدف دستیابی به توافقی بزرگ‌تر از برنامه بود؛ توافقی که شامل «غنی‌سازی صفر» و برنامه موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران در برابر لغو تحریم‌ها و عادی‌سازی روابط می‌شد. در مقابل، تهران به مدل مرحله‌ای و غیرمستقیم از طریق میناچی‌گری عمان علاقه‌مند بود. در طرح سه مرحله‌ای پیشنهادی ایران، ابتدا کاهش موقت غنی‌سازی و آزادسازی بخشی از دارایی‌ها پیش‌بینی شده بود، سپس توقف دائمی غنی‌سازی سطح بالا و بازگشت بازرسی‌ها، و در نهایت انتقال ذخایر اورانیوم در ازای لغو کامل تحریم‌ها. نکته دیگر اینکه ایران تأکید داشت که فقط بر سر برنامه هسته‌ای گفت‌وگو می‌کند. موضوعی همچنان نیز وزیر خارجه آن را تکرار می‌کند و تأکید دارد که موضوعات دیگری، چون برنامه موشکی قابل مذاکره نیستند. این دو رویکرد متضاد، باعث شد مذاکرات از همان ابتدا بدون چارچوب مشترک پیش برود و هر دور گفت‌وگو بیشتر به بن‌بست نزدیک شود.

درخواست غیر قابل قبول

سومین عامل بن بست، سیاست حداکثری آمریکا درباره سطح غنی‌سازی و ذخایر اورانیوم ایران است. ترامپ از آغاز بر موضع «غنی‌سازی صفر در برابر عدم تسلیح» با فشاری کرد؛ موضعی که از نظر تهران غیرقابل قبول و خلاف حق حاکمیتی عضو NPT تلقی می‌شد. در دور سوم و چهارم مذاکرات، آمریکا خواستار حذف کامل ذخایر اورانیوم پیش از لغو هرگونه تحریم شد، در حالی‌که تهران پیشنهاد کرده بود بخشی از تحریم‌ها در ازای توقف غنی‌سازی سطح بالا و بازگشت بازرسان لغو شود. پیشنهاد ایران مبنی بر تشکیل کنسرسیوم مشترک غنی‌سازی با کشورهای عربی نیز از سوی واشنگتن رد شد. در نهایت، حتی زمانی‌که دولت ترامپ در اوایل ژوئن به طور موقت اجازه غنی‌سازی محدود را در طرح پیشنهادی خود گنجانند، اندکی بعد دوباره به موضع «غنی‌سازی صفر» بازگشت. موضوعی که عدم ثبات آمریکا در مواضع خود را نشان داد و باعث تشدید بی‌اعتمادی شد.

نقش مخرب

چهارمین عاملی که موسسه کارنگی در گزارش خود به آن اشاره می‌کند، نقش مداخله‌گر اسرائیل و کنگره آمریکا است. نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، از آغاز مذاکرات بر اجرای «الگوی لبی» با فشاری داشت. یعنی خلع کامل سلاح هسته‌ای ایران پیش از هر امتیاز. جمهوری خواهان کنگره نیز با ارسال نامه‌هایی به ترامپ، خواستار توقف غنی‌سازی و انحلال کامل برنامه هسته‌ای شدند. این فشارها موجب شد رئیس‌جمهور آمریکا در برهه‌هایی از نرمش‌های احتمالی خود عقب‌نشین کند. در نهایت، تجاوز اسرائیل به خاک ایران و حمله به تأسیسات هسته‌ای و فرماندهان و دانشمندان ایرانی، دو روز پیش از آغاز دور ششم مذاکرات، عملا گفت‌وگوها را نابود کرد. اقدامی که نشان می‌داد اسرائیل از آغاز درصدد برهم‌زدن مسیر دیپلماسی بوده‌است. پس از جنگ، ایران همکاری خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تعلیق و به طور ضمنی تهدید کرد که ممکن است از پیمان NPT خارج شود. این اقدام خطر فروپاشی رژیم عدم‌اشاعه هسته‌ای را افزایش داد. اما با وجود شکست مذاکرات و وقوع جنگ، مسیر دیپلماسی هنوز به طور کامل بسته نشده و به نظر می‌رسد که احیای گفت‌وگوها مستلزم رفع چهار مانع اصلی گذشته است.